

## رهیافت تأویلی به آیه شریفه «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» با عنایت به اصطلاح عظیم در قرآن

سید حسن قاضوی\*  
سید امین قاضوی\*\*

### چکیده

غالب مفسران شیعه و اهل سنت در آیه «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» گفته‌اند که مراد از «ذبح عظیم»، «کبش» «قوچ» است و از آن جایی که در قرآن وصف عظیم در چند مورد بیشتر به کار برده نشده است؛ برای خدا «رَبِّكُمُ عَظِيمٌ»، برای قیامت «نَبَأٌ عَظِيمٌ»، برای عرش خدا «الْعَرْشُ الْعَظِيمُ» و سرانجام برای اخلاق پیامبر اسلام ﷺ «خُلُقٍ عَظِيمٍ» به کار رفته است. به نظر می‌رسد برخی از عالمان و مفسران با چنین پرسشی در ذهن خود مواجه شده‌اند که چگونه قربانی کردن گوسفند، ذبح عظیم است؟ از این رو، تأویلات گوناگونی را بر اساس روایات ذکر نموده‌اند. در این پژوهش تلاش شده است به روش تحلیلی ضمن بررسی اصل مسئله، مراد اصلی «ذبح عظیم» تبیین گردد. بر اساس روایت پیامبر گرامی اسلام (ص) که می‌فرماید: «أنا من حسین» با توجه به قبول امام حسین علیه السلام در عالم ذر، ایشان آن قربانی عظیم است.

### واژگان کلیدی

ذبح عظیم، حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت اسماعیل علیه السلام، امام حسین علیه السلام.

shghazavi@ut.ac.ir  
aminghazavi@yahoo.com  
تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۱۲

\*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).  
\*\*. طلبه حوزه علمیه قم.  
تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۶

### طرح مسئله

آزمون‌های عادی برای به دست آوردن شایستگی‌های افراد صورت می‌گیرد، درحالی‌که آزمون‌های الهی برای اهداف دیگری است. خدای متعال از وضع بندگان در گذشته و آینده و پایه لیاقت و شایستگی آنان کاملاً آگاه است، از این رو برای امتحان او، انگیزه یا انگیزه‌های دیگری وجود دارد که یکی از آنها، رسانیدن بندگان قابل و شایسته به مراحل از کمال است، تا شایستگی‌هایی که به صورت قوه و توان در نهاد بندگان است به حد فعلیت برسد. اخلاص و فداکاری در حسین بن علی علیه السلام و جد اعلای او ابراهیم خلیل علیه السلام به صورت قوه و قابلیت وجود داشت، ولی این توان از طریق جانفشانی امام حسین علیه السلام در دادن تمام هستی خود و خاندانش در راه خدا و آمادگی حضرت ابراهیم علیه السلام برای ذبح فرزند دل‌بند خود، به خاطر امر خدا به عالی‌ترین درجه فعلیت رسید و از این طریق آن دو بزرگوار، اخلاص خود را نسبت به فرمان خدا به منصفه ظهور رساندند.

تبیین مفهوم فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: «وجود من به برکت وجود امام حسین علیه السلام است»، در روایت «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ»، با توجه به تأویل و رابطه وثیق آن با بطن آیه ۱۰۷ سوره صافات «وَقَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» در جریان ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام، بیان‌کننده قبول امام حسین علیه السلام برای قربانی شدن به جای جد بزرگوارش حضرت اسماعیل علیه السلام در مسیر احیای مکتب پدر بزرگ گرامی‌اش در کربلا در عالم ذر است. این امر اخلاص و فداکاری حسین بن علی علیه السلام و جد اعلای او ابراهیم خلیل علیه السلام را در امتحان الهی تأیید می‌نماید.

### الف) پیشینه

در پژوهش‌های معاصر و تفاسیر موجود شیعه و اهل سنت در خصوص مراد از «ذبح عظیم» در آیه «وَقَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» (صافات / ۱۰۷) گفتگوهای فراوانی صورت پذیرفته است؛ از قبیل: گوسفند مورد قبول خدا بود؛ موجب برکت بود؛ از بهشت آمده و جثه‌ای عظیم داشت؛ همان گوسفندی بود که هابیل قربانی کرده بود؛ در بهشت نگهداری می‌شد تا فدای اسماعیل شود؛ چون از ناحیه خدا آمد و خدای تعالی آن را عوض اسماعیل قرار داد، عظمت داشت؛ آن گوسفند چهل پاییز در بهشت بوده و به خوبی پروار شده بود، از این رو خدا واژه «عظیم» را برای او به کار برده است؛ گوسفند ویژه‌ای بود نه از نسل گوسفندانی دیگر؛ چون این ذبح به امر الهی است «عظیم» نامیده شده است؛ عظمت آن قربانی به خاطر این است که برای حجاج یک سنت همیشگی شده؛ زیرا هر شخص حاجی در روز عید قربان موظف است، یک گوسفند در قربانگاه (منا) قربانی کند و با گذشت زمان سال به سال وسعت بیشتری یافته و این سنت بزرگ

تا قیامت ادامه خواهد داشت، ولی هیچ مانعی ندارد که تمام این جهات در ذبح عظیم جمع و از دیدگاه‌های مختلف دارای عظمت باشد.

در این میان تفسیر الصافی محمد محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱) نخستین تفسیر روایی شیعه است که بر اساس روایتی از امام رضا علیه السلام مراد از «ذبح عظیم» در آیه مذکور را حضرت امام حسین علیه السلام دانسته که جانشین ذبح اسماعیل قرار گرفت و سید هاشم بحرانی (م ۱۱۰۷) در تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن و حویزی (م ۱۱۱۲) در تفسیر نور الثقلین، محدث جزائری (م ۱۱۱۲) در کتاب النور المبین فی قصص الأنبياء و المرسلین این تأویل را پذیرفته‌اند، اما هیچ تحلیلی در این مورد بیان نکرده‌اند.

در نوشتار حاضر ضمن تأکید بر دستاورد و نقاط قوت پژوهش‌های پیشین و پاسداشت فضل تقدم آنان، تلاش شده است، ضمن تأیید این نظریه، تحقیقی جامع همراه با بررسی موضوع و تحلیل آن که هیچ کدام از تحقیقات نامبرده بدین شکل به بررسی موضوع نپرداخته‌اند، بازخوانی مجدد و کاملی از موضوع ارائه گردد، تلاشی که به نظر می‌رسد تاکنون به انجام نرسیده است.

#### ب) حضرت ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام در قربانگاه عشق

به گفته جمعی از مفسران، خواب عجیب و شگفت‌انگیز ابراهیم علیه السلام بیانگر شروع یک آزمایش بزرگ در مورد این پیامبر عظیم‌الشان است، در خواب می‌بیند که از سوی خدای متعال به او دستور داده شد تا فرزند یگانه‌اش را با دست خود سر بریده و قربانی کند. حضرت می‌دانست که خواب پیامبران واقعیت داشته و از وسوسه‌های شیطانی دور است، اما تکرار آن در دو شب دیگر بر لزوم این امر و فوریت آن تأکید داشت.

حضرت ابراهیم علیه السلام باید قبل از هر چیز فرزند را آماده این کار کند، لذا به او گفت: فرزندم من در خواب دیدم که باید تو را ذبح کنم، بنگر نظر تو چیست؟ «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى». (صافات / ۱۰۲) فرزندش با آغوش باز و طیب خاطر از این فرمان الهی استقبال کرد و با صراحت و قاطعیت گفت: پدرم هر دستوری به تو داده شده، اجرا کن «قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ». (صافات / ۱۰۳) و از ناحیه من فکر تو راحت باشد که به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت. «سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ». (صافات / ۱۰۳)

فرزند به پدر گفت: «پدرم ریسمان را محکم ببند تا هنگام اجرای فرمان الهی دست و پا نزنم، می‌ترسم از پاداشم کاسته شود! پدرجان کارد را تیز کن و با سرعت بر گلویم بگذران تا تحملش بر من آسانتر باشد! پدرجان ابتدا پیراهنم را از تن بیرون کن که به خون آلوده نشود؛ چراکه بیم دارم اگر مادرم

آن را ببیند عنان صبر از کفش بیرون رود. آنگاه افزود: سلامم را به مادرم برسان و اگر مانعی ندیدی پیراهنم را برایش ببر که باعث تسلی خاطر و تسکین دردهای او است. قرآن می‌گوید: هنگامی که هر دو تسلیم و آماده شدند و ابراهیم جبین فرزند را بر خاک نهاد «فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ». (همان / ۱۰۳) ابراهیم صورت فرزند را بر خاک نهاد و کارد را به حرکت در آورد و با سرعت و قدرت بر گروی فرزند گذارد، اما کارد برنده در گروی لطیف فرزند کمترین اثری نگذاشت!

قرآن می‌فرماید: «وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ؛ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا؛ إِنَّا كَذَبُكَ نَجْرِي الْمُحْسِنِينَ؛ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ؛ (صافات / ۱۰۶ - ۱۰۴) در این هنگام او را ندا دادیم که ای ابراهیم. آنچه در خواب ماموریت یافتی انجام دادی. ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. این مسلماً امتحان مهم و آشکاری است».

اما برای اینکه برنامه ابراهیم ناتمام نماند و در پیشگاه خدا قربانی کرده باشد و آرزوی ابراهیم برآورده شود، خدا قوچی بزرگ فرستاد تا به جای فرزند قربانی کند و سنتی برای آیندگان در مراسم حج و سرزمین منی از خود بگذارد، چنان که قرآن می‌فرماید: «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ؛ ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم. (صافات / ۱۰۷؛ طبری، ۱۳۸۷: ۱ / ۲۷۸ - ۲۷۵؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۱ / ۱۱۳ - ۱۱۱)

در اینکه عظمت این ذبح از چه نظر بود؟ از نظر جسمانی و ظاهری یا از جهت اینکه فدای فرزند ابراهیم شد یا از نظر اینکه برای خدا و در راه خدا بود یا به این خاطر که این قربانی از سوی خدا برای ابراهیم فرستاده شد، مفسران گفتگوهای فراوانی دارند، اما هیچ مانعی ندارد که تمام این جهات در ذبح عظیم جمع و از دیدگاه‌های مختلف دارای عظمت باشد. یکی از نشانه‌های عظمت این ذبح آن است که با گذشت زمان سال‌به‌سال وسعت بیشتری یافته، و الان در هر سال بیش از یک میلیون نفر به یاد آن ذبح عظیم قربانی می‌کنند و خاطره‌اش را زنده نگه می‌دارند.

«فدینا» از ماده «فدا» در اصل به معنای قرار دادن چیزی به عنوان بلاگردان و دفع ضرر از شخص یا چیز دیگر است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۲ / ۳۴۹) در اینکه این قوچ بزرگ چگونه به ابراهیم علیه السلام داده شد بسیاری معتقدند جبرئیل آورد، بعضی نیز گفته‌اند از دامنه کوه‌های منی سرازیر شد، هر چه بود به فرمان خدا و به اراده او بود.

نه تنها خدای متعال پیروزی ابراهیم را در این امتحان بزرگ در آن روز ستود، بلکه خاطره آن را جاویدان ساخت، چنان که در آیات بعد می‌فرماید: «وَوَكَّرْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ؛ سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ؛ كَذَلِكَ نَجْرِي الْمُحْسِنِينَ؛ (صافات / ۱۱۰ - ۱۰۸) ما نام نیک ابراهیم را در امت‌های بعد باقی و برقرار ساختیم. «سلام بر ابراهیم» آن بنده مخلص و پاکباز باد. آری، ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (مجلسی، ۱۳۸۴: ۱ / ۴۰۹ - ۴۰۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱۸ - ۱۰۹)

### ج) چیستی ذبح عظیم

ترکیب «ذبح عظیم»، در لغت به معنای ذبیح یا مذبوح بزرگ و بزرگوار است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲ / ۴۳۷ - ۴۳۶) این ترکیب وصفی تنها یک بار در قرآن مجید به کار رفته است:

وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ. (صافات / ۱۰۷)

به عوض او، ذبح عظیمی را پذیرفتیم.

در تفسیر این آیه شریفه، تقریباً همه مفسران بر این باورند که فدیة اسماعیل گوسفندی بود که از عالم غیب و بهشت رسید. آیا می‌توان پذیرفت که قربانی شدن گوسفندی با تعبیر شگفت‌آور «ذبح عظیم» مطرح شود؟ در قرآن وصف «عظیم» در چند مورد بیشتر به کار برده نشده است؛ برای خدا: «رَبِّكُمُ الْعَظِيمِ»، (اعراف / ۱۴۱؛ ابراهیم / ۶) برای قیامت: «نَبَأُ الْعَظِيمِ». (ص / ۶۷) برای عرش خداوند «الْعَرْشِ الْعَظِيمِ». (توبه / ۱۲۹؛ مومنون / ۸۶؛ نمل / ۲۳ و ۲۶) و برای اخلاق پیامبر اکرم ﷺ «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ». (قلم / ۴) آیا قربانی کردن گوسفند می‌تواند ذبح عظیم باشد؟

به نظر می‌رسد برخی از عالمان و مفسران با چنین پرسشی در ذهن خود مواجه شده‌اند؛ چگونه قربانی کردن گوسفند، ذبح عظیم است؟ در این باره در روایات، تأویلات گوناگونی ذکر شده است.

ماوردی (۴۵۰ ق) در تفسیر النکت و العمیون به پنج روایت یا تأویل اشاره می‌کند، از جمله: گوسفند مورد قبول خدا بود، موجب برکت بود، از بهشت آمده بود و جثه‌ای عظیم داشت. (ماوردی، ۵ / ۶۳ - ۶۲) دیگر مفسران نیز بر همین نکات تأکید کرده‌اند. سخنی که مورد پذیرش بیشتر مفسران است، تأکید بر این نکته است که گوسفند بهشتی بود.

یا اینکه چون گوسفند از سوی خدا فرستاده شده است، عظیم بود. زمخشری (م ۵۳۸ ق) زمخشری در اهمیت گوسفند، از ابن عباس نقل می‌کند:

همان گوسفندی بود که هابیل قربانی کرده بود؛ در بهشت نگهداری می‌شد تا فدای اسماعیل شود. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۵۵)

فخر رازی (۶۰۶ ق) نیز درباره «عظیم» دو قول را مطرح کرده است. یکم: نقل سعید بن جبیر: آن گوسفند چهل پاییز در بهشت بوده است و به خوبی پروار شده بود، از این رو خداوند واژه عظیم را برای او به کار برده است. دوم: نقل سدی: از آن جهت که آن گوسفند فدای اسماعیل شد، عظیم خوانده شده است. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۳۵۱)

قرطبی بر قول دوم رازی تأکید می‌ورزد. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۵ / ۱۰۷)

ابن کثیر (۷۷۴ ق) بر گوسفند و ویژگی‌های آن تأکید می‌نماید. از جمله اینکه پشم گوسفند قرمز بوده است و جریر نامیده شده بود. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷ / ۲۷)

بغوی (۵۱۶ ق) در *معالم التنزیل*، برای نشان‌دادن ویژگی فوق‌العاده گوسفند، چنین آورده است: هنگامی که قرار شد گوسفند به‌جای اسماعیل قربانی شود، ابراهیم، اسماعیل، جبرئیل و گوسفند، همگی تکبیر گفتند. (بغوی، ۱۴۲۰: ۴ / ۳۹)

بیضاوی (۶۸۵ ق) در *انوارالتنزیل*، سه ویژگی را بیان کرده است. یک. گوسفند جثه‌ای عظیم داشت. دو. از آن رو که فدای اسماعیل شد، عظیم بود. سه. آن گوسفند از بهشت آمده بود. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵ / ۱۶)

ابن عطیه (۵۴۶ ق) در *تفسیر المحرر الوجیز*، روایت کرده است که گوسفند ویژه‌ای بود، نه از نسل گوسفندان دیگر. (بغوی، ۱۴۲۰: ۴ / ۳۹)

ثعلبی (۴۲۷ ق) در *الکشف و البیان* می‌نویسد: گوسفند قربانی نسبت به دیگر گوسفندان عظیم بود. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸ / ۱۵۷)

این اقوال نشان‌دهنده آن است که مفسران برای تبیین صفت عظیم، اقوالی را روایت کرده‌اند که گوسفند را در موقعیتی فراتر قرار می‌دهد.

طبرسی (۵۴۸ ق) در *تفسیر مجمع البیان* می‌نویسد: عظیم، صفت اسماعیل است و نه گوسفند، گوسفند در حقیقت فدای انسانی عظیم شد. این توجیه یا تفسیر، گرچه مناسب‌تر به نظر می‌رسد و صفت عظیم را از اختصاص آن به گوسفند منصرف می‌کند، اما با سیاق آیه ناسازگار است. عظیم صفت ذبح؛ یعنی مذبوح است و نه صفت اسماعیل. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۷۰۹ - ۷۰۸)

فتح‌الله کاشانی در بیانی به بیشتر این اقوال اشاره کرده است:

«وَفَدَيْنَاهُ» و فدا دادیم اسماعیل را «بِذَبْحٍ» به آنچه او را ذبح کنند «عَظِيمٍ» بزرگ از حیثیت جثه یا به اعتبار مرتبه و منزلت چه مرسل آن ملک جلیل بود و رسول جبرئیل و مرسل‌الیه ابراهیم خلیل و بعضی گفته‌اند که عظمت آن از حیثیت آن بود که چهل سال در بهشت چرا کرده بود و یا به سبب آنکه آن کبشی بود که هابیل در راه خدای تعالی قربان کرده بود و می‌تواند که «عَظِيمٍ» صفت موصوف محذوف باشد؛ یعنی «بذبح عبد عظیم» پس در این هنگام عظیم صفت اسماعیل باشد نه فدای او و محمد بن مسلم از امام محمدباقر علیه السلام نقل کرده که آن گوسفند سیاه و سفید و شاخدار بود که از آسمان بر کوهی که در جانب راست مسجد منی در مقابل جمره وسطی، فرود آمد و گوسفندی فربه بود که در سایه خود راه رفته و در آن می‌خوابید و می‌چرید و بول و سرگین می‌کرد. (کاشانی، ۱۳۷۸: ۹ - ۸)

برخی گفته‌اند:

ذبح عظیمی که فدای اسماعیل شد، قوچی بود که جبرئیل علیه السلام آن را از آسمان آورد؛ قوچی که از مادر تولد نیافته، بلکه با فرمان «کن» ایجاد شده بود. بعضی آن را بز کوهی دانسته‌اند. گفته می‌شود در صدر اسلام سر این قربانی به صورت خشک شده، کنار ناودان کعبه آویزان بوده است. وصف آن به عظیم، به دلیل آن است که از ناحیه خدای سبحان بوده و فدای ذبح قرار گرفته یا به دلیل پذیرفته شدن آن در درگاه خدا یا چریدن در بهشت است. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ۱ / ۵۳۲ و ۵۳۳)

صاحب تفسیر المیزان، دو نکته را بیان کرده است. یکی آنکه عظمت در آن بود که گوسفند از سوی خدا آمده بود و دوم آنکه فدای اسماعیل شد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷ / ۱۵۳)

غالب مفسران شیعه و اهل سنت در اینجا گفته‌اند که مراد از «ذبح عظیم»، «کبش» (قوچ) است و به گفته علامه طباطبایی چون این ذبح به امر الهی است «عظیم» نامیده شده است؛ و گرنه خود ذبح، فی نفسه عظیم نبوده است.

#### د) نگاهی دیگر در تفسیر آیه شریفه

بعضی از مفسران شیعه از جمله محمد محسن فیض کاشانی در تفسیر صافی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۲۷۹) سید هاشم بحرانی در تفسیر البرهان (بحرانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۶۱۹ - ۶۱۸) حویزی در تفسیر نور الثقلین (حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۴۳۰ - ۴۲۹) و مجلسی در بحار الانوار (مجلسی، ۱۳۹۶: ۴۴ / ۲۲۶ - ۲۲۵) بر اساس حدیث ذیل که در عیون اخبار الرضا علیه السلام روایت شده، نقل کرده‌اند که در اینجا مراد از «ذبح عظیم» امام حسین علیه السلام است که از ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام است و او قربانی عظیمی بود که جانشین ذبح اسماعیل علیه السلام قرار گرفت.

درواقع این روایت می‌تواند تأویل آیه شریفه باشد:

فَضْلِ بْنِ شاذَانَ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا علیه السلام يَقُولُ لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام أَنْ يَذْبَحَ مَكَانَ ابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ الْكَبْشَ الَّذِي أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ تَمَّتْ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام أَنْ يَكُونَ قَدْ ذَبَحَ ابْنَهُ إِسْمَاعِيلَ بِيَدِهِ وَأَنَّهُ لَمْ يُؤْمَرْ بِذَبْحِ الْكَبْشِ مَكَانَهُ لِيَرْجِعَ إِلَى قَلْبِهِ مَا يَرْجِعُ إِلَى قَلْبِ الْوَالِدِ الَّذِي يَذْبَحُ أَعَزَّ وُلْدِهِ عَلَيْهِ بِيَدِهِ فَيَسْتَحِقَّ بِذَلِكَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ أَهْلِ الثَّوَابِ عَلَيَّ الْمَصَائِبِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا إِبْرَاهِيمُ مَنْ أَحَبُّ خَلْقِي إِلَيْكَ فَقَالَ يَا رَبِّ مَا خَلَقْتَ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حَبِيبِكَ

مُحَمَّدٍ ﷺ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَمْ فَهُوَ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ نَفْسِكَ قَالَ بَلْ هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي قَالَ فَوَلَدُهُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ وَلَدُكَ قَالَ بَلْ وَلَدُهُ قَالَ فَذَنْبُكَ وَوَلَدُهُ ظُلْمًا عَلَيَّ أَيْدِي أَعْدَائِهِ أَوْجَعُ لِقَلْبِكَ أَوْ ذَنْبُكَ وَوَلَدُكَ فِي طَاعَتِي قَالَ يَا رَبِّ بَلْ ذَنْبُكَ وَوَلَدُهُ ظُلْمًا عَلَيَّ أَيْدِي أَعْدَائِهِ أَوْجَعُ لِقَلْبِي قَالَ يَا إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ طَائِفَةً تَزْعُمُ أَنَّهَا مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ سَتَقْتُلُ الْحُسَيْنَ ابْنَهُ مِنْ بَعْدِهِ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا كَمَا يُذْبِحُ الْكَبْشُ وَ يَسْتَوْجِبُونَ بِذَلِكَ سَخَطِي فَجَزَعِ إِبْرَاهِيمُ ﷺ لِذَلِكَ وَ تَوَجَّعَ قَلْبُهُ وَ أَقْبَلَ بِنَيْكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ فَدَيْتُ جَزَعَكَ عَلَيَّ ابْنِكَ إِسْمَاعِيلَ لَوْ ذَبَحْتَهُ بِيَدِكَ بِجَزَعِكَ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ وَ قَتَلْتَهُ وَ أَوْجَبْتُ لَكَ أَرْفَعَ دَرَجَاتٍ أَهْلِ الثَّوَابِ عَلَيَّ الْمَصَائِبِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ فَدَيْنَاهُ بِذَنْبِ عَظِيمٍ. (صدوق، ۱۳۶۲: ۱ / ۵۹ - ۵۸؛ همو، ۱۴۰۴: ۱ / ۲۰۹؛ مجلسی، ۱۳۹۶: ۴۴ / ۲۲۶ - ۲۲۵؛ جزائری، ۱۴۰۴: ۱۲۹)

فضل بن شاذان گفت: شنیدم از حضرت رضا علیه السلام که فرمود: حق تعالی به ازای ذبح اسماعیل قوچی را فرستاد تا به جای او ذبح شود، حضرت ابراهیم علیه السلام آرزو کرد؛ کاش می شد فرزندش را به دست خود ذبح کند و مأمور به ذبح گوسفند نمی شد تا به سبب درد و مصیبتی که از این راه به دل و جان او وارد می شود، مصیبت پدری باشد که عزیزترین فرزندش را به دست خود در راه خدا ذبح کرده تا از این طریق بالاترین درجات اهل ثواب در مصیبت‌ها را به دست آورد. در این میان خطاب وحی از خدای متعال به ابراهیم علیه السلام رسید که محبوب‌ترین مخلوقات من نزد تو کیس؟ حضرت علیه السلام عرضه داشت: هیچ مخلوقی پیش من محبوب‌تر از حبیب تو محمد صلی الله علیه و آله نیست. پس وحی آمد که آیا او را بیشتر دوست داری یا خودت را، ابراهیم علیه السلام گفت: او پیش من از خودم محبوب‌تر است. خدای متعال فرمود: فرزند او را بیشتر دوست داری یا فرزند خود را ابراهیم علیه السلام عرض کرد: فرزند او را بیشتر دوست دارم.

پس حق تعالی فرمود: آیا ذبح فرزند او امام حسین علیه السلام به دست دشمنان از روی ستم، بیشتر دل تو را می‌سوزاند یا ذبح فرزند خودت به دست خودت در اطاعت من! عرض کرد: پروردگارا! ذبح او به دست دشمنان بیشتر دلم را می‌سوزاند. در این هنگام خدا خطاب کرد: ای ابراهیم! به یقین جمعی که خود را از امت محمد صلی الله علیه و آله می‌شمارند، فرزند او حسین علیه السلام را از روی ظلم و ستم و با عداوت و دشمنی، ذبح خواهند کرد، همان‌گونه که گوسفند را ذبح می‌کنند و به این سبب مستوجب خشم و عذاب من می‌گردند.

ابراهیم علیه السلام از شنیدن این خبر جانکاه، ناله و فریاد بر آورد و قلب و جان او به درد آمد و



بسیار گریه نمود و دست از گریه بر نمی‌داشت تا اینکه وحی از جانب پروردگار جلیل رسید: «ای ابراهیم! گریه تو بر فرزندت اسماعیل اگر او را به دست خود ذبح می‌کردی، فدا کردم به گریه‌ای که تو بر حسین علیه السلام و شهادتش کردی و بدین سبب بالاترین درجات اهل ثواب در مصیبت‌ها را به تو دادم. در پایان امام رضا علیه السلام فرمود: این است مفهوم قول خداوند عز و جل؛ «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ».

این حدیث معتبر از امام رضا علیه السلام افزون بر اینکه بر مصادیق دیگر ذبح عظیم، صحه نهاده، آیه شریفه «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» را از انحصار در یک مصداق ظاهری، عظیم، بیرون آورده و یک معنای دقیق عرفانی و ملکوتی ارائه کرده و سالار شهیدان را به عنوان ذبح عظیم معرفی نموده است. در ضمن این روایت دلیلی بر جایگاه والای امام حسین علیه السلام است که او را از نظر مقام بالاتر و برتر از انبیاء گذشته حتی پیامبران اولوالعزم دانسته است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۲۸۰ - ۲۷۹؛ مجلسی، ۱۳۹۶: ۴۴ / ۲۲۶ - ۲۲۵)

شواهدی این تأویل را تأیید می‌کند: در «وفدیناه بذبح عظیم»، واژه عظیم صفت یک امر مهم است؛ اگر مراد گوسفند باشد از نظر ادبی باید می‌فرمود «ذبح کریم» نه «ذبح عظیم». مقصود از ذبح عظیم نمی‌تواند گوسفند باشد، زیرا اسماعیل کجا و گوسفند کجا که به هر مناسبتی ذبح می‌شود، اساساً حیوان را نمی‌شود با انسان مقایسه نمود. ذبح الله بودن از برترین مقامات است کسی باید ذبح شود که مقام برتری داشته باشد و قطعاً مقام امام حسین علیه السلام برتر از حضرت اسماعیل علیه السلام است.

بیان امام رضا علیه السلام و تفسیر برخی مفسران، از ذبح عظیم، دریچه و افقی را می‌گشاید، که بی‌تردید تفسیر و تاویل گوسفند قربانی با همه بزرگی که برایش روایت کرده‌اند، نخواهد داشت. تأویل «ذبح عظیم» به امام حسین علیه السلام آیه را تا عمق جان انسان نفوذ می‌دهد و تفسیر و تأویل گوسفند، همچنان با سؤال و چالش جدی مواجه است.

قربانی شدن اسماعیل توسط ابراهیم، نشان از عشق عمیق ابراهیم نسبت به خدای متعال بوده است که حقیقت این عشق، در کربلا و عاشورا آشکار می‌شود.

حدیث «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ، أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا، حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ». (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۲۹ / ۱۰۳؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸: ۱ / ۱۵۲؛ ترمذی، ۱۴۱۹: ۵ / ۴۷۵؛ مجلسی، ۱۳۹۶: ۴۳ / ۲۹۶) در منابع روایی شیعه و سنی به تواتر از «یعلی بن مره» یکی از اصحاب پیامبر صلى الله عليه وآله نقل شده است.

او می‌گوید:

روزی با پیامبر ﷺ به یک میهمانی دعوت شده بودیم؛ در حالی که در کوچه می‌رفتیم، حسین ﷺ را در حال بازی دیدیم. پیامبر ﷺ از همراهانش جلوتر رفت و دستانش را گشود تا او را بگیرد، اما حسین ﷺ فرار کرد و این طرف و آن طرف می‌رفت و پیامبر ﷺ به او می‌خندید، تا اینکه او را گرفت؛ پس یکی از دستانش را زیر چانه و دیگری را پشت سرش قرار داد و او را می‌بوسید و می‌گفت: حسین از من است و من از حسینم؛ کسی که حسین را دوست بدارد، خدا او را دوست دارد ... .

بی‌شک حسین ﷺ فرزند پیامبر ﷺ و از نسل آن حضرت است و او شاخه‌ای از درخت نبوت به‌شمار می‌آید اما منظور آن حضرت که فرمود: «من از حسینم» چیست؟

برخی می‌گویند: پیامبر ﷺ پس از مبعوث شدن به رسالت، حیات او به رسالت و بقای آن و حیات رسالت نیز به حیات او وابسته شد و چون حسین ﷺ برای زنده ماندن رسالت محمدی بسیار کوشید حتی عزیزترین کسانش را در این راه قربانی کرد، رسالت از او جانی دوباره گرفت و استمرار یافت؛ از این رو پس از جریان کربلا ثابت شد: «الاسلام محمدی الحدوث حسینی البقاء»؛ اسلام توسط پیامبر ﷺ به وجود آمد و توسط حسین ﷺ باقی ماند. (جلالی، ۱۳۷۳: ۳۱ - ۳۰)

بنابراین پیامبر ﷺ در این حدیث، مسئله دقیق‌تر و بالاتر از رابطه نسبی را بیان کرده است؛ حسین از اوست؛ زیرا روح او را در بردارد و آنچه حسین ﷺ برای حفظش از تمام هستی خود مایه گذاشت، چیزی جز حیات و حقیقت رسالت؛ یعنی اسلام ناب محمدی ﷺ نبود. (قرشی، ۱۳۹۴: ۱ / ۹۴)

چنانکه ذکر شد ذبح گوسفند بهشت و یا تمام قربان‌های مینی به‌جای اسماعیل اگرچه صحیح و عظیم است اما این تمام حقیقت نیست و خدای متعال در عالم انسانی و از نوع بشر نیز قربانی‌ای را به‌جای اسماعیل ﷺ قرار داد و او را به‌عنوان برترین ذبیح راه حق و حقیقت برگزید که باید دین اسلام به‌عنوان برترین دین آسمانی از خون او که خون خدا و ثارالله است، آبیاری می‌شد تا بتواند تا قیامت چراغ هدایت امت باشد. این انسان برتر از انبیا و فرشتگان، سید و سالار شهیدان و مظلوم کربلا حسین بن علی ﷺ است که ذبیح اعظم خدا است.

این حدیث معتبر از امام رضا ﷺ افزون بر اینکه بر مصادیق دیگر ذبح عظیم صحه نهاده، آیه شریفه «وَقَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» را از انحصار در یک مصداق ظاهری بیرون آورده و یک معنای دقیق عرفانی و ملکوتی ارائه کرده و سالار شهیدان را به‌عنوان ذبح عظیم معرفی نموده است.

برای تبیین مفهوم جمله «أنا من حسین» با توجه به جریان ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام که در آیات ۱۰۱ تا ۱۰۷ سوره صافات بیان شده و در صدر این پژوهش نیز ذکر گردید؛ به نظر می‌رسد تأویل و باطن این نظریه این‌گونه باشد که حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در نشأه عالم ذر<sup>۱</sup> در معرض آزمون الهی قرار گرفته و قبول نمود که برای احیاء، بقا و استمرار دین جدش رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به تکلیف خود عمل کرده و در کربلا از همه چیز خود بگذرد و در راه باری تعالی قربانی شود، لذا خدای متعال به خاطر این اخلاص، جانفشانی و فداکاری، از قربانی شدن اسماعیل درگذشت.

### نتیجه

پژوهش حاضر، ضمن بیان دیدگاه اندیشمندان و مفسران در باره مفهوم «ذبح عظیم» در آیه «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» مبنی بر اینکه غالب مفسران قرآن بر این باورند که فدیه اسماعیل، گوسفندی از عالم غیب و بهشت بود که فدای اسماعیل شد و برای تبیین مسئله به توجیهاات و تأویلات مختلفی دست یازیدند اما بررسی انجام گرفته در نوشتار حاضر، یافته‌های زیر را به دست می‌دهد:

- ذبح‌الله مقامی الهی و از برترین مقامات و مقام قربانی باید بالاتر باشد و جایگاه امام حسین علیه السلام از نظر فضیلت و مقام، برتر از حضرت اسماعیل علیه السلام است.

- صفت عظیم، در آیه «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» نمی‌تواند به گوسفند تعلق گیرد؛ زیرا از نظر ادبی باید می‌فرمود «ذبح کَرِيم» نه «ذبح عَظِيم» همچنین مقایسه بین انسان با حیوان صحیح نیست، چه رسد به اینکه بین حجت خدا و گوسفند مقایسه صورت پذیرد.

- برای تبیین این موضوع به نظر می‌رسد منظور از اینکه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: وجود من به برکت وجود امام حسین علیه السلام است «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» این باشد که امام حسین علیه السلام در عالم ذر قربانی شدن به جای جدش حضرت اسماعیل علیه السلام را قبول کرده، از این رو، خدای متعال از قربانی شدن حضرت اسماعیل علیه السلام جد اعلای نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله درگذشت.

۱. عالم «ذَرَّ» یا عالم «الْأَسْت» یکی از جهان‌های آفرینش است که در قرآن و روایات به آن اشاره شده است. بر اساس تفاسیر رایج میان دانشمندان اسلامی، این عالم که مربوط به دوران پیش از خلقت آدم یا هم‌زمان با خلقت اوست، عالمی بوده که در آن تمام انسان‌هایی که مقدر بوده تا روز قیامت به دنیا بیایند به صورت ذره در آنجا گرد آورده شدند. «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ سَهِدْنَا أَنْ نَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (اعراف / ۱۷۲، رک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۷۶۷ - ۷۶۴؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۲ / ۱۰۱ - ۹۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸ / ۳۳۱ - ۳۰۶)

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، تصحیح صبحی صالح، قم، دار الهجرة.
- ابن اثیر، عز الدین أبوالحسن علی بن أبی الکرّم، ۱۳۸۵ ق، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، ۱۴۱۶ ق، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن ماجه، محمد بن یزید، ۱۴۱۸ ق، سنن ابن ماجه، بیروت، دار الجیل.
- ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۵ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسة البعثة
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ ق، تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۱۹ ق، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، قاهره، دار الحدیث.
- ثعلبی، احمد بن محمد، ۱۴۲۲ ق، الكشف و البیان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- جلالی، سید محمدرضا، ۱۳۷۳ ش، الامام الحسین علیه السلام سماته و سیره، قم، دار المعروف.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، الكشف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دار الکتب العربی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۲، الخصال، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۴ ش، عیون اخبار الرضا علیه السلام، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ ق، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، دار التراث.
- طریحی، فخر الدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تهران، مکتبه المرتضویه.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ ق، تفسیر الصافی، تهران، مکتبه الصدر.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو.

- قرشی، باقر، ۱۳۹۴ ق، *حیة الامام الحسین* علیه السلام، نجف الشرف، نشر الادب.
- کاشانی، فتح الله، ۱۳۷۸، *منهج الصادقين*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ماوردی، علی بن محمد، بی تا، *النکت و العیون*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۹۶ ق، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار* علیهم السلام، تهران، المکتبه الاسلامیه.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۴، *حیة القلوب*، قم، سرور.
- جزائری، سید نعمت الله، ۱۴۰۴ ق، *النور المبین فی قصص الأنبیاء و المرسلین*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر، جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی